

خدا شناسی

دانشمندان الهی و طبیعی در این معنی اتفاق دارند که موجودات عالم بر روی کاملترین اساس و بهترین نظام است و این معنی بقدری مسلم است که محتاج بگفتگو و آوردن شاهد و دلیل نیست. اما آنچه مورد اعتراض است در مطالب است که ما در این جا از آن گفتگو میکنیم

۱- اینکه ما می بینیم در عالم چیزهایی را که هم دارای سود و هم زیان است بنا بر این اگر آفریننده آن توانای مطلق است چرا آنها را بدون زیان نیافریده و این بزرگترین اشکالیست که طبیعیین تا کنون توانسته اند در این باب وارد سازند

میگوئیم: اولاً باید دانست که بسیاری از چیزهاست که در عالم فرض و خیال تصور آن ممکن است ولی وجود آن در خارج محال مطلق و ممتنع عقلی است مانند همان مثال معروف که میگویند در یا را در کوزه ریختن بدون اینکه آب کم شود یا کوزه بزرگ گردد محال است اکنون میگوئیم که مادیات بواسطه مزاحمتیکه با یکدیگر دارند خیر محض در آن محال است چنانکه در همان مثالیکه گفته شد اگر هم مصلحت و فایده تصور شود بواسطه مزاحمت قدرت به آن تعلق نخواهد گرفت

فلاسفه گفته اند: موجوداتی که بطور فرض ممکن است در

جهان پدید آید پنج قسم است

۱- شر محض یعنی چیزیکه سودی در او نباشد و پر واضح است که چنین موجودی در عالم وجود ندارد و اگر چیزی در نظر اول مضر و یا بی نتیجه بخاطر برسد پس از تحقیق و تأمل معلوم میشود

که دارای فوائدی میباشد

۲- خیر محض این قسمت را بعقول یا بقول دیگر بامور ماوراء الطبیعه مثال میزنند شاید برای همین باشد که خیر محض در مادیات غیر معقول است

۳- چیزهایی که سود آن بیش از زیانش است این قسمت را هم چنانکه می بینیم در عالم بسیار است و نباید بواسطه ضرر کمی که در آنست ترک نمود زیرا در اینحال ضررش بیش از نفع خواهد شد
۴ و ۵- چیزهایی که سود و زیانش برابر و یا زیانش بیشتر است در اینجا دیگر دلیل حس حکمفرما نیست و جز از راه عقل نمیتوان گفتگو کرد زیرا اگر بخواهیم از روی حس وجود یا عدم این دو قسم را بدست یاوریم باید سود و زیان تمام موجودات عالم را را یک یک با ترازوی دقیقی سنجید و این برای بشر هیچ گاه ممکن نخواهد شد ولی از روی دلیل عقل میتوان گفت که چون ما دانستیم موجودات عالم بر روی بهترین نظام است معلوم میشود که پدید آورنده آن دانا و توانای مطلق است و چیز را که سود و زیانش برابر یا زیانش بیشتر است بوجود نخواهد آورد

این نکته را هم باید دانست که هر کسی ضرر نفع موجودات را نسبت بحال خود می سنجد در صورتیکه او در دائر وجود نقطه بیش نیست. پس باید نظر بهم بصلاح و فساد این موجودات بی پایان نماید تا بنادانی و زبونی خود اعتراف کند

موضوع دوم این است که در طبیعت نواقص بسیاری دیده میشود که بشر میتواند آنها را اصلاح کند بنا بر این رفع این نواقص محال نیست - گوئیم: «عملیات بشر نیز از قانون طبیعت بیرون نیست و بعبارت

دیگر هر چه هست از اوست و اینها همه اسپانند که یکی برای اصلاح
دیگری بکار میرود چنانکه آدمی نباتات را تربیت میکنند و آنها هم رفع
احتیاج آدمی را میکنند و هم چنین موجودات دیگر عالم که بحکم
طبیعت و فرمان او هر يك برای دیگری انجام وظیفه میدهند

بگفته یکی از دانشمندان هر چیزی که در این جهان بصورتی در آید
از بیرون عالم چیزی در او نیامده و هر گاه صورت ترکیب
خود را هم از دست بدهد مواد آن از این عالم بیرون نخواهد رفت پس
مخترع و صنعت گر و امثال آن برای عملیات خود چیزی از بیرون عالم
نیاورده اند بلکه همان موجودات گیتی را بهمراهی قانون طبیعت
ترکیب و تفریق می نمایند

و ثانیاً میگوئیم : ما هر جا دیدیم بشر بحکم عقل کوتاه خود (نه
از روی علم کامل و اطلاع صحیح) خواسته در طبیعت اصلاحی کنند
بیشتر افساد کرده بطوریکه گفته اند هر مرض یا فساد اخلاقی که
رای بشر یا زیر دستهای او پیدا میشود در اثر تصرفهای بیجای اوست
و گر نه هر چیزی تا هنگامیکه بحالت طبیعی و خدادادی خود باقی است
پاک و خالی از عیب است و بهمین جهت است که هر کسی چیزی های
طبیعی را ذاتاً بهتر از مصنوعی میداند ولی با نظر سطحی زندگانی
مصنوعی را ترجیح میدهد

اصلاحاتی که بشر در طبیعت میکنند مانند همان اصلاح است که
آن نادان در قرآن نمود یعنی کلامه شغلتن را شد رسنا کرد تا کلامه غلط
در قرآن نباشد - این است که میگوئیم هر چیزی هر چه بحالت طبیعی
نزدیک تر باشد سالم تر خواهد بود - در آینده نیز در این موضوع
گفتگو خواهیم کرد